

موقعیت کنونی و شرایط آینده اقتصاد گاز ایران



عنبرانی



در این مجال نخست به مسئله آرمان‌گرایی و مقایسه آن با واقعیات در سیاست‌های نفت و گاز کشور می‌پردازیم و سپس با اشاره به ضرورت به حداکثر رساندن برداشت از ذخایر نفتی کشور به این مسئله اشاره می‌کنیم که با توجه به تراز گاز کشور که بعد از حدود ده سال منفی خواهد شد، لازم است در سیاست‌های صادرات گاز تجدیدنظرهای اساسی صورت گیرد و قبل از هر چیز، منافع ملی در بلندمدت مدنظر باشد به نحوی که سیاست‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت صرفاً براساس منافع بلندمدت طراحی و اجرا شود.

آرمان‌گرایی و واقعیات در سیاست‌گذاری

برای نشان دادن آرمان‌گرایی‌ها و تدوین سیاست‌گذاری‌ها بدون بررسی واقعیات به گزارش معاونت امور بین‌الملل وزارت نفت اشاره می‌کنیم: کشور ما در طول دو دهه گذشته... از جایگاه برابر خود با عربستان تا حد یک سوم آن کشور پائین آمده و اگر این روند گذشته همچنان ادامه یابد بیم آن می‌رود که کشورهای نظیر کویت و امارات نیز در بخش صادرات از ما پیشی بگیرند و این در حالی است که ذخایر لازم در کشور... برای قرار گرفتن ما در جایگاه دوم تولید و صادرات در درون اوپک و حتی جهان که جایگاهی مناسب در کشور ماست فراهم است.^۱ ملاحظه می‌شود در تدوین این سیاست کلان، معیارهایی به کار رفته است که اساساً با واقعیات صنعت نفت و گاز کشور و ویژگی‌های حاکم بر بازار جهانی نفت و گاز منطبق نیست و مهم‌تر از همه منافع ملی در

اشاره

به اعتقاد برخی از کارشناسان صنعت نفت کشور اشکال طرح‌های صادرات گاز ایران این است که نگاه به آنها از دیدگاه کلان صنعت محور نبوده است. به این معنی که حاکمیت دیدگاه بخشی نگر در حوزه صنعت نفت موجب طرح دیدگاه صادرات گاز در اشکال متنوع آن شده است. این در حالی است که نگاه جامع و همه‌جانبه نگر به صنعت می‌تواند به نتایج بسیار متفاوت از آنچه که امروز در سیاست‌گذاری‌های حوزه نفت و گاز به چشم می‌خورد منجر شود. آقای دکتر مسعود درخشان از جمله کارشناسان مستقل صنعت نفت محسوب می‌شود که طی سال‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای در این حوزه داشته و ابعاد مختلف الزامات صنعت نفت ایران را در قالب یک مدل جامع مد نظر قرار داده است.

آنچه که می‌خوانید متن سخنرانی ایشان در سمینار اقتصاد ایران و اقتصاد جهانی - چالش‌ها و فرصت‌ها است که در دویز هشت ماه سال جاری در شیراز برگزار شد.